

شعار «واقعیت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در شهر همدان»

شعار «واقعیت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در شهر همدان»

دوگانه شعار تا واقعیت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در شهر همدان

سپهرغرب، گروه شهر – عباس سرنیشی؛ امروزه تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از مشاهدات میدانی خبرنگاران رسانه‌ها به موازات گزارش‌های مردمی، به‌وضوح مؤید این واقعیت است که باوجود گفته‌های مسئولان، مجریان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای تلاش در جهت توزیع و تخصیص منابع و خدمات شهری به‌صورت عادلانه در مناطق مختلف شهر برحسب نیازهای ساکنان اما درنهایت عدم تحقق این امر زمینه بروز مشکلات ناشی از بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم کرده و افزایش داده است.

معنا و مفهوم این مسئله چیزی نیست جز اینکه گستره توزیعی خدمات و امکانات سطح شهر همدان تا رسیدن به مرز عدالت فاصله داشته و ظاهراً در آینده دور نیز نخواهد توانست آنگونه که باید و شاید موجبات تحقق این مسئله و متعاقباً رضایت‌مندی عمده شهروندان از وضعیت موجود را به‌دست آورد، در حالی که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین معیارهای توسعه پایدار شهری توجه به توزیع متوازن خدمات و امکانات به نسبت جمعیت مناطق شهری بوده و هرگونه بی‌توجهی به آن خواسته و ناخواسته حتی در کوتاه‌مدت، شهر و شهروندان را به ورطه بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده سوق خواهد داد.

البته نکته تلخ ماجرا این است که طی همین ادوار نیز عمده مسئولان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری با وعده کاهش این نابرابری‌ها و لزوم برقراری عدالت اجتماعی در برخورداری شهروندان ساکن در همه مناطق و محلات از خدمات شهری عمومی، یا به عرصه رقابت با یکدیگر نهاده و یکی از جدی‌ترین برنامه‌های خود را توجه به این مسئله عنوان کرده‌اند.

با این حال اما بررسی‌ها و سنجش معیار عملکردی آن‌ها نسبت به هر دوره، به‌وضوح بیانگر تضاد و تفاوت در گفته‌ها و وعده‌ها در خصوص تخصیص و میزان دسترسی ساکنان به خدمات شهری ازجمله پنج شاخص ضریب ساختار شهری، ضریب اهمیت خدمات، تراکم برخورداری از خدمات، نسبت فاصله‌ای از خدمات و همچنین سنجش پراکنش فضایی خدمات شهری است. به مفهوم ساده‌تر میزان دسترسی‌ای ساکنان شهر همدان در مناطق مختلف به نسبت یکدیگر (به‌ویژه حاشیه‌نشین‌ها) به مجموعه پنج‌گانه خدمات شهری (آموزشی، درمانی، ورزشی، فضای سبز و جمعیت شهری) در سطح نابرابری قرار داشته و کمتر به توزیع آن توجه شده است.

در این خصوص برخی کارشناسان با عنوان اینکه عدالت اجتماعی شهری مترادف با توزیع فضای عادلانه امکانات و منابع، بین مناطق مختلف و دستیابی برابر شهروندان به آن‌هاست، بر این نکته نیز تأکید دارند که چون عمده مناطق کم‌برخودار و مورد غفلت، محل سکونت نرخ بالای از جمعیت شهری است؛ بنابراین هرگونه بی‌توجهی به عدالت اجتماعی و فضایی و به تبع آن عدالت توزیعی در پراکنش خدمات در این مناطق نه‌تنها به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده منجر خواهد شد بلکه هزینه‌های بیشتری را در زمینه اداره شهر بر مدیریت و ساختار آن تحمیل خواهد کرد.

حال آنکه در شهری مانند همدان بررسی و تعیین نحوه تخصیص سؤال‌برانگیز برخورداری کمی و کیفی از مواهب، منابع و خدمات شهری و هدایت و تمرکز برخی از تسهیلات و خدمات شهری به نواحی خاص مختلف برمبنای ضریب مکانی، اولویت‌بندی کاربری‌ها و نرخ جمعیتی باعث شده تا نه‌تنها باعث فراموشی و غفلت از مطالباتی که

شهروندان طبقه متوسط و رو به پایین در حال طلب آن‌ها هستند، شود بلکه تمایل مناطق پربرخوردار شهر نیز به سمت قطبی شدن بیشتر سوق پیدا کند.
روند و روالی نانوشته و غیر رسمی اما در حال اجرا که عملاً و علناً با موضوع عدالت اجتماعی و توزیعی و یا حقوق شهروندی در تناقض بوده و حتی عده‌ای از صاحبان پول و قدرت و نفوذ را مجاز می‌کند تا در سایه سکوت و مماشات و بی‌تفاوتی مسئولان و مدیران، شاکله نظام شهری را بر مدار منافع فردی و استبداد اقلیتی قدرتمند و ثروتمند بر دیگران اداره نموده و نه فقط نسبت به تخصیص عادلانه و فراگیر این مواهب و منافع عمومی در اهمال و تعلل عامدانه برآیند بلکه حتی به هر بهانه یا توجیه، بخشی از ساکنان شهر را نیز از این حقوق و خدمات محروم کنند.
*از شهر دو قطبی تا همدان چند لایه و اما این در حالی است که دسترسی به آموزش و پرورش رایگان، خدمات رفاهی و تفریحی، امنیت، نظافت و بهداشت و... جهت افزایش سطح رفاه اجتماعی مردم شهر جزء مهم‌ترین حقوق شهروندان محسوب شده و تنها چیزی که ممکن است این حقوق را تحت تأثیر قرار دهد، تبعیض و فقدان عدالت توزیعی است.

در عین حال ماده هشت منشور حقوق شهروندی صراحتاً عنوان می‌کند اعمال هرگونه تبعیض ناروا به‌ویژه در دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع بوده و دولت باید از هرگونه تصمیم و اقدام منجر به فاصله طبقاتی و تبعیض ناروا و محرومیت از حقوق شهروندی،خودداری کند.

اما اکنون این سؤالات مطرح است که با توجه به شرایط موجود در شهر همدان و تفاوت‌ها و تبعیض‌های آشکاری که نسبت به مناطق و محلات آن وجود دارد؛ آیا می‌توان مدعی بود یا قبول کرد که در شرایط فعلی روال و روند عدالت اجتماعی و توزیع امکانات مواهب و خدمات شهری در مسیر درستی قرار داشته است؟

آیا می‌توان امیدوار بود که با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و رفع تبعیض در جهت فراهم‌سازی زمینه رشد شخصیت فردی و

اجتماعی شهروندان به مسیر درستی می‌رویم؟
–در طول این سال‌ها معیار مدیران شهری برای توزیع امکانات چه بوده، مصلحت طبقاتی یا منفعت عامه؟

–کدام اصل در این تقسیم‌بندی‌ها نقش مؤثری داشته، تراکم جمعیت یا نفوذ اقلیت؟
–برنامه‌ریزان نقشه توسعه شهر را چگونه تعریف کرده‌اند، بالا و پایین شهر یا محلات و مناطق هم‌عرض؟

–مسئولان و برنامه‌ریزان، مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر همدان را چگونه تعریف و اجرا کرده و می‌کنند؟
پر واضح است که اگر قرار باشد مسئولان به این پرسش‌ها پاسخ دهند، قطعاً به جز نکات مثبت، چشم‌انداز روشن، تلاش حداکثری در جهت تحقق منفعت عامه، عدالت توزیعی و مساوات عمومی به صورت خاص توجه تمام‌قد به مناطق کم‌برخوردار و تلاش در جهت ایجاد شهر بی‌طبقه، نخواهیم شنید اما وقتی پای صحبت‌های مردم به میان می‌آید به یک‌باره داستان عوض شده و این عبارات به‌سادگی رنگ می‌یازند.

زیرا تاریخ ثابت کرده که همیشه و همه‌جا این ساختار قدرت‌ها و مدیریت‌های شهری بوده که در طول حیات خود با هر دلیل و منطق آشکارا و نهان، خواسته و ناخواسته همیشه، گروهی را بر گروه دیگر اولویت داده و با ترسیم مرزهای ناپیدا و قوانین نانوشته و متعاقباً وارد کردن آن‌ها به ادبیات اداری و رسمی شهر، نسبت به هدایت و تمرکز کردن مواهب برای یک منطقه و طبقه خاص اقدام کرده است.

مناطق و محلاتی که شاید از منظر جغرافیایی با هم تفاوت و فاصله چندانی ندارند اما از نظر ویژگی‌های اقتصادی– اجتماعی ساکنان و همچنین سطح برخورداری از کاربری‌های خدماتی، از شرایط به‌مراتب مطلوب‌تری برخوردار بوده و به‌صورت معمول الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی به نفع آنان عمل شده، مناطق شهری خاصی که ساکنان آن عموماً جزء صاحبان قدرت یا نفوذ هستند که با یک همگرایی و همسان‌سازی فکری به‌دنبال جدا کردن غیر رسمی خود از بدنه اصلی شهر و جامعه بوده و از طریق نفوذ و لابی در ساختار تصمیم‌گیر و مدیریت شهر، اهداف

صنعی و طبقاتی خود را به اتاق فکر و تصمیم‌گیر شهری تحمیل و متعاقباً اعمال و دنبال می‌کنند، البته اگر در این میان فقط شاهد ادامه همان داستان دوقطبی‌سازی معمول بالا و پایین شهر بودیم، چندان جای تعجب نبود اما فاجعه این است که در شهری مانند همدان حتی صاحبان ژن خوب و تفکر نوین نیز با هم سر سازگاری نداشته و با تقسیم همان محلات و نواحی پربرخوردار به دو قسمت بالا و پایین‌تر به‌دنبال ایجاد و تعریف یک خالص‌سازی طبقاتی دیگر در بین خود می‌گردند و به این شکاف طبقاتی دامن می‌زنند.

صد البته مصداق این امر را نیز می‌توان در تقسیمات شهری نوپدیدى چون سعیدیه بالا و پایین، متخصصین بالا و پایین و از این دست دید و حس کرد که در سایه یک سکوت معنادار برخی متولیان امر، مسئولان در حال استحاله شهر دوقطبی کم‌برخوردار و پربرخوردار همدان به شهر چند لایه فوق برخوردار، پربرخوردار، برخوردار، متوسط، کم‌برخوردار و فراموش‌شده هستند.

موضوعی که شاید از منظر طراحان شهری، صرفاً جنبه جغرافیایی دارد؛ اما کیست که نداند برخی از این اقدامات خرنده، تلاشی است در جهت تفاخر بیشتر، افزایش قیمت ملک و املاک، ویژه‌خواری و تبعیض ...

*توجه یک تصمیم اشتباه یا برگشت از مسیر اشتباه

هرچند تبعیض در همه ابعاد آن تاریخی به درازای عمر بشر داشته و لاجرم در جوامع امروزی نیز این امر با شدت‌های گوناگونی قابل مشاهده است اما فراموش نکنیم که تحقق عدالت اجتماعی به‌عنوان یک اصل بنیادین در مدیریت شهرهای امروزی، از یک‌سو به رضایت ساکنان از کیفیت زندگی منجر شده و از سوی دیگر به تثبیت و استحکام بنیان‌های سیاسی و اقتدار حاکمیتی دولت‌ها و مدیران شهرها کمک شایانی خواهد کرد.

موضوع این است که وقتی از عدالت اجتماعی به‌خصوص مدل شهری آن سخن رانده می‌شود، به مسئله چندان دشوار و مبهمی روبه‌رو نیستیم و حتی می‌توان آن‌را در یک عبارت ساده یعنی توزیع عادلانه نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و

شهر

شعار «واقعیت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در شهر همدان»

شعار «واقعیت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در شهر همدان»

دوگانه شعار تا واقعیت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در شهر همدان

یکی دو منطقه خاص.

–توجه ویژه به ارائه خدمات نظیف و حمل زیاله در یکی یا دو منطقه و تلاش در جهت رفع تکلیف در گستره‌ای بزرگ از شهر.

–توجه به مراکز بازی، تفریحی و ورزشی در بالای شهر و فراموشی کودکان، نوجوانان و جوانان در این سوی شهر.

–فعالیت بر زرق و برق و تجهیزات آنچنان برای مراکز هنری و فرهنگسراهای خاص و در مقابل سکوت و خمودی در اعتبار و امکانات برای همان مراکز در پایین شهر.

و مواردی از این دست نه‌تنها گواهی صادق بر اثبات تضاد و شکاف در مبحث عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی ماست؛ بلکه مبین وجود یک روند مدیریت شهری خاص با نگاه بالا و پایین از سوی برخی مسئولان به شهر و شهروندان نیز هست.

مسئولانی که عموماً خود بالانشین شهر و ساکنان مناطق خاص هستند و ظاهراً هیچ درک و فهمی از بایستگی‌ها، مشکلات و مطالبات واقعی حوزه استحفاظی خود ندارند گو آنکه حتی برخی بازدیدهایشان نیز آنقدر مجلسی و مدیریت‌شده است که انگار نه در این شهر حضور دارند و نه این مردم با آن‌ها در زیر یک آسمان زندگی می‌کنند. گویی میان آن‌ها و این مردم دو فرهنگ متفاوت و دو جغرافیای ناهمگون با فاصله‌ای بسیار زیاد شکل گرفته و نمی‌گذارد تا هم‌دیگر را ببینند و صحبت‌های یکدیگر را بر اساس اصول انسانی و حقوق شهروندی و نه طبقه و رتبه اجتماعی، شنیده و درک کنند.

■ **مخلص کلام...**

آقای مسئول، جناب رئیس، نماینده محترم و همه کسانی که در این شهر به‌نوعی دارای پست و مقام و جایگاهی هستید؛ ما در جامعه و نظامی زندگی می‌کنیم که عدالت و رعایت حقوق عامه در آن سرلوحه همه امور بوده و بر اساس آموزه‌های دینی، اخلاقی و قانونی نه میان انسان‌ها و نه مناطق شهری فرقی وجود نداشته و بر اساس هیچ مصلحت و منفعت و یا تصمیم و صلاح‌دیدی نه باید و نه می‌توان که گروهی را از حقوق و خدمات حقه محروم کرد و یا کسانی را در واگذاری و کسب این مواهب مورد توجه خاص قرار داد.

در واقع مردم بر اساس منطق یا برخی تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی میان محلات و مناطق مختلف شهر آشنا هستند اما هیچ تبعیضی را در خصوص نگاه ویژه و یا فراموشی همان محلات و مناطق به رسمیتی نمی‌شناسند و عمیقاً نیز بر این باورند که هرگونه کم‌توجهی و یا نگاه ویژه به مناطق شهری که تاکنون رخ داده و یا از این به بعد به‌وقوع خواهد پیوست نیز قطعاً محصول تصمیم‌گیری اشتباه و مغرضانه از سوی برخی متولیان امر است نه سطح فرهنگ سواد و ثروت مردم در مناطق شهری.

بنابراین اکنون که دالمآ نیز در شعارها و سخنرانی‌ها می‌نویزد ظرفیت شما در همه رده‌ها و سطوح خدمت صادقانه و خالصانه به خلق خدا و مدالبته به‌صورت مساوی و عدالت‌محوری است و حتی اگر قرار باشد نگاه ویژه‌ای نیز به جایی داشته باشید این امر صرفاً باید بر اساس ضرورت و مبتنی بر نرخ جمعیت سطح نیاز و گستره مشکلات و لزوم رفع آن‌ها باشد نه چیز دیگر و اینکه در نهایت شما هم جزو این مردم هستید و باید در میان آن‌ها زندگی کنید و توسط آن‌ها قضاوت می‌شوید، پس چرا گاهی فراموش می‌کنید طرف درست تاریخ کجاست؟ اگر امروز با هر دلیل و بهانه سوء عملکرد خود را توجیه می‌کنید، این فردا در میان آن‌ها زندگی کنید استدلال از عملکرد خود دفاع خواهید کرد؟

شهروندان چگونه در تحولات شهری نقش دارند؟

شدند و مهارت لازم برای تجزیه‌وتحلیل عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها را کسب کردند. هدف این طرح آشنایی جوانان با میزان اهمیت توجه به مسائل مربوط به شهرشان بود تا پیوندی اساسی بین جوامع کنونی و آینده‌ای پایدار و مسئولانه از شهر ایجاد کند.

■ **تبدیل منطقه صنعتی متروک به فضای سبز در سوئد**

دولت سوئد یک منطقه صنعتی در گوتنبرگ را که طی بیش از ۱۰ سال گذشته متروک بود با نظرحوانی از مردم به یک واحه سبز تبدیل کرد. برای سبزشازی این منطقه از درختانی استفاده شده است که احتمال قطع شدنشان در محل ساخت‌وسازهای جدید وجود داشت و به این ترتیب جابه‌جایی این درختان باعث بعضی عمر ۵۰ ساله داشتند، علاوه بر ارجحی آن‌ها موجب کاهش هزینه‌ها شده است. مسئولان شهر اعلام کردند که این تغییر کاربری عظیم تنها با همکاری و مشارکت مردم در تمام مراحل پروژه ممکن شده است. گوتنبرگ علاوه بر کاشت درخت و گسترش فضای سبز در این منطقه، یک حمام عمومی با استخرهای نمکی و شیرین ساخته است که خواص درمانی دارند. این سبزشازی پاسخ دولت به درخواست و نظردهی ساکنان برای سربسزی بیشتر در مرکز شهر بود که از طریق گفت‌وگو با ساکنان برنامه‌ریزی شده و به‌صورت رایگان در دسترس بازدیدکنندگان قرار گرفته است.

تکمیل کرد که به شهروندان اجازه می‌دهد با استفاده از بازی ویدئویی Minecraft یک دوقلوی دیجیتالی اولیه برای شهر ایجاد کنند. هرچند نیازهای اساسی هر شهر به‌دلیل جوامع، اقتصاد و شرایط قدیمی می‌تواند به‌شدت متفاوت باشد اما در مجموع، متداول‌ترین واکنش ساکنان سالت‌لیک‌سیتی تمایل به به تقاضای فضای عمومی بیشتر برای مردم و کمتر برای وسایل نقلیه است.

■ **جنبش بازرس شهری در اسپانیا**

مسئولان بخش خودمختار گالیسیای اسپانیا، با راه‌اندازی جنبش «من یک بازرس شهری هستم» مفاهیم شهری را در برنامه‌های آموزشی قرار دادند تا علاقه و توجه به محیط زندگی را در قشر نوجوان بیدار کنند. این جنبش به منظور افزایش آگاهی دانش‌آموزان مدارس و تقویت قدردانی آن‌ها از محیط شهری محل سکونتشان سازمان‌دهی شد. در مرحله اول دهه دانش‌آموز از یک مدرسه متوسطه در شهر پونتکالداس در این فعالیت شرکت کردند تا توسط بازرسان آژانس حفاظت از قانون شهری (APLU) آموزش کافی را برای آشنایی با اهمیت میراث شهری دریافت کنند. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این جنبش به شیوه‌ای نوآورانه و سرگرم‌کننده با مفاهیم چشم‌انداز محیط زندگی شامل میراث طبیعی و تاریخی، زیرساخت‌ها، محیط زیست، تغییرات اقلیمی و رویای اکولوژیکی و ساخت‌وسازها آشنا

مانند عابران پیاده و دوچرخه، تحرک وسایل نقلیه، سبزشازی محیط و حداقل الزامات پایداری و فضاهای سبز، فعالیت‌های اجتماعی و استفاده از پیاده‌روها بود. پس از آن، شهروندان این ۱۵ نوع خیابان و به طور کلی راهنما را بررسی و ارزیابی کردند. این پروژه امکان بازخورد بیشتر را از طریق بسترهای فعال ارائه می‌دهد و به منظور دسترسی بیشتر نقشه‌ای را منتشر می‌کند که نوع خیابان‌ها را با توجه به یک رنگی متمایز می‌کند، همچنین این امکان وجود دارد که شهروندان نظرات خود را به هر خیابان اضافه کنند. به این ترتیب، برنامه‌ریزان شهری قبل از شروع به کار ماشین‌آلات ساختمانی، بینش ارزشمندی در مورد کاربری مورد انتظار برای هر جاده به دست می‌آورند. در مرحله آخر، مسئولان پیش‌نویس نهایی راهنما را تهیه می‌کنند که استانداردهای آن توسط برنامه‌ریزان شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

■ **برنامه‌ریزی شهری فراگیرتر در یوتا**

مشارکت شهروندان در مسائل برنامه‌ریزی شهری می‌تواند با در نظر گرفتن گروه‌های بزرگ و همچنین اقلیت‌ها به سمت توسعه خیابان‌ها و بلوک‌های در دسترس‌تر، قدرت بخشیدن به ذی‌نفعان در همه سطوح و کاهش وابستگی به آمارهای ساده ماشینی سوق یابد که ممکن است تصویر کامل نتایج را بدون نظر واقعی شهروندان مخدوش کند. اقدامات پروژه مشارکتی شهر سالت‌لیک‌سیتی را می‌توان با پروژه‌های نوآورانه‌ای مانند Block by block

برای مشارکت مردم در طراحی شهری همچون شوراهای اجتماعی در شهرها تعیین کنند، البته مقامات محلی حرف آخر را در این زمینه می‌زنند.

■ **برنامه مشارکتی توسعه خیابان‌ها در یوتا**
سالت‌لیک‌سیتی مرکز ایالت یوتا در ایالات متحده آمریکا، با جمعیت حدود ۲۰۰ هزار نفر در مرکز تاریخی خود به‌دنبال ایجاد اقدامی در زمینه برنامه‌ریزی شهری هوشمند است. این تلاش با ایجاد انقلابی در تعریف عملکرد خیابان‌ها در این منطقه آغاز شده است. پیش از این، در شهرهای ایالات متحده همانند بسیاری از شهرهای بزرگ جهان سه نوع جاده شامل ناده شریانی، جاده‌ای با عملکرد میانی و جاده محلی وجود داشت و ابتکار یوتا با هدف ربودن نقش اصلی از خودروها و مبتنی بر تسهیل جریان ترافیک در شهر انجام شد. شهروندان از طریق یک نظرسنجی در پروژه برنامه‌ریزی هوشمند شهر مشارکت کردند که بر اساس عملکردهای مختلف، نزدیک به ۱۵ نوع جاده را تعریف می‌کرد. این پروژه علاوه بر تعامل با شهروندان، دریچه‌هایی را به طرح‌های برنامه‌ریزی شهری سفارشی باز می‌کرد.

پروژه در بیش از هشت هزار و ۴۰۰ جاده در مرکز شهر اعمال و در یک دستورالعمل مشارکتی با مدل‌های واقعی گنجانده شد. برای ایجاد این موارد، پنج عامل در رابطه با فضاهای کاربری عمومی در نظر گرفته شد که شامل تحرک شخصی

نیستند، اما می‌توانند در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت کنند. در نهایت، سهیم‌سازی در تصمیم‌گیری مدلی از مشارکت است که به جامعه قدرت تصمیم‌گیری در مورد شهر، آینده آن و استفاده از منابع را می‌دهد. بودجه‌بندی مشارکتی یکی از نمونه‌های نقش آفرینی اجتماعی در تصمیم‌گیری است که طی آن شهروندان با ارائه پیشنهادات خود در برنامه مشارکت می‌کنند و با شرکت در رأی‌گیری تصمیم می‌گیرند که کدام یک از راه‌حل‌های واجد شرایط باید اجرا شود. در حالی که تفاوت‌هایی بین انواع مشارکت‌های اجتماعی وجود دارد، هدف اصلی همه آنها دستیابی به حضور عادلانه و تأثیرگذار ساکنان و ذی‌نفعان در آینده شهرهایشان است و ترکیب متعادل از هر سه شکل بهترین نتایج را به ارمغان می‌آورد.

■ **آینده برنامه‌ریزی شهری مشارکتی**

یک شهر کاملاً هوشمند ایده‌آل ابزاری را ارائه می‌کند که فراتر از استفاده پیشرفته از فناوری برای بهبود زندگی شهروندان است؛ ظرفیتی که شهروندان را قادر می‌سازد تا نه‌تنها در امور عمومی، بلکه در ساختار شهر خود مشارکت داشته باشند. نتیجه این ابزار دموکراتیک، امکان مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی شهری است که به طور سنتی شهروندان را شامل نمی‌شد. انجمن‌های محلی و گروه‌های مرتبط در چند سال گذشته برای شنیده‌شدن صدای مردم مبارزه کرده‌اند تا قانون روش‌هایی را

سپهرغرب، گروه شهر؛ مشارکت اجتماعی به افراد یک جامعه اجازه می‌دهد تا با شرکت در برنامه‌های شهری از الزامات و برنامه‌های منطقه خود آگاه شوند و نیازهای خود را به گوش مسئولان برسانند. با این کار ساکنان دیدگاه خود را در مورد هویت منطقه خود و آنچه برایشان مهم است، ارائه می‌دهند.

ارائه موضوعات متنوع و راهکارهای متفاوت از طریق مشارکت فعال افراد می‌تواند نتایج برنامه‌ریزی شهری را ارتقا دهد. مشارکت اجتماعی که به عنوان مشارکت مدنی یا عمومی نیز شناخته می‌شود، یک اصطلاح فراگیر برای فرایند‌های مشارکتی مختلف است که در در آن مردم در برنامه‌ریزی شهری و توسعه شهر دیگر می‌شوند. اصول برنامه‌های شهری با مشارکت عمومی عبارت از چشم‌انداز و ارزش‌های مشترک، تقابل و احترام، شفافیت و ارتباطات، تصمیم‌گیری مشترک و تعهد است.

■ **مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری**

مشارکت دادن اعضای جامعه در برنامه‌های شهری در سه سطح آگاهی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری انجام می‌شود. در فرایند مشارکت آموزشی، مردم از تغییرات، رویه‌ها و تصمیمات آینده مربوط به برنامه‌ریزی شهری در منطقه خود آگاه می‌شوند. در مشارکت مقدماًتی مردم با ایده‌ها و بازخوردهای خود به پروژه‌های توسعه در حال انجام کمک می‌کنند. در این شکل از مشارکت جامعه، مردم تصمیم‌گیرنده